

مقدمه

صنعت فولاد یکی از مهمترین و تاثیر گذارترین صنایع در رشد و توسعه صنعتی هر کشوری محسوب می‌شود. با توجه به اینکه این صنعت بعنوان یکی از صنایع بنیادی هر کشوری بوده و در واقع یکی از معیارهای صنعتی شدن هر کشور وابسته به پیشرفت و توسعه صنعت مذکور می باشد؛ بهبود و توسعه آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. صنایع پایه از قبیل حمل و نقل، ساختمان، ساخت ماشین آلات، معدن و دیگر صنایع مرتبط با تولید و انتقال انرژی به فولاد وابسته می باشند. بر این اساس، تقاضای جهانی فولاد بالا بوده و در آینده هم، اگر افزایش نیابد ثابت می ماند. مطالعات و تجربیات بین المللی نشان می دهند که در طول تاریخ مالی، بهترین پرتفولیو با بهترین ترکیب ریسک و بازده، ترکیبی از سرمایه گذاری های مستقیم در فلزات، سهام و انرژی بوده است.

در کشور ما اولین گام اساسی در جهت دستیابی به این صنعت در سال ۱۳۳۸ برداشته شد و شرکت ملی ذوب آهن ایران شکل گرفت. در سال ۱۳۵۱ شرکت ملی صنایع فولاد ایران تاسیس شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ شرکت ملی فولاد ایران با ادغام شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت ملی صنایع فولاد ایران بوجود آمد که تا سال ۱۳۸۱ تنها شرکت متولی فولاد در کشور بود. بسیاری معتقدند پایه های اقتصاد کشورمان اگر نفتی نباشد، فولادی است و صنعت فولاد، صنعت پیشرو ایران است. البته تحقق چنین ادعای اثبات شده ای، مستلزم غلبه بر موانع و مشکلات فعلی صنعت و بازار فولاد کشور است.

صنعت فولاد در جهان و چالشهای آن

عملکرد صنعت فولاد از اقتصاد جهانی تبعیت کرده و بهبود این صنعت، شاخص مناسبی از بهبود اقتصادی یک منطقه است. در طی دهه گذشته این صنعت بطور چشمگیری رشد کرده که عمدتاً بدلیل رشد در کشورهای BRIC (برزیل، روسیه، هند و چین) بویژه چین بوده است. از سال ۲۰۰۱، این صنعت بطور همزمان شاهد رونق و رکود چشمگیری بوده است. متوسط نرخ رشد تولید جهانی فولاد، در حدود ۶٪ و مصرف تا حدود ۵/۵٪ افزایش یافته است.

علیرغم بهبود صنعت فولاد پس از بحران مالی جهانی، بحران اخیر بدهی دولتی منطقه یورو، عدم اطمینان بالائی را در این بازار ایجاد نموده است. این بازارهای مالی نابسامان و کسری بالای بودجه دولتی، منجر به اجرای برخی اقدامات ریاضتی از سوی کشورهای این منطقه گردیده است. در حقیقت بخشهای مطمئن جهان، سرمایه گذاری در امور زیربنائی و دیگر صنایع را به تعویق انداخته اند. در نتیجه تقاضای فولاد به اندازه مورد انتظار احیاء نگردیده و همچنان رشد ظرفیت تولید فولاد بر

تقاضای آن فزونی دارد. در سال ۲۰۱۱، ظرفیت تولید فولاد به میزان ۸۰ میلیون تن افزایش یافته و منجر به ۴۹۳ میلیون تن اضافه ظرفیت گردید. این امر سوددهی فعالان صنعت را متاثر می سازد. پیش بینی استمرار رشد ظرفیت تولید فولاد در آینده به دلیل فشار موجود بر دولتها جهت حفظ مشاغل و این بخش که مانع از کارآتر نمودن صنعت با حذف کارگران و تجهیزات اضافی می گردد، بر پیچیدگی این موضوع می افزاید. در حال حاضر ظرفیت بیش از حد تولید، مهم ترین چالش فولادسازان است. از دیگر چالشهای موجود در این صنعت، می توان به موارد ذیل اشاره نمود که متعاقباً به تفصیل بررسی خواهند شد.

- حرکت به سمت بازارهای نوظهور
- رشد بی ثباتی بازار و کاهش حاشیه سود
- فقدان سرعت در عملیات
- نیاز به متحول سازی مدل های کسب و کار

حرکت به سمت بازارهای نوظهور

با جابجایی تولید از کشورهای توسعه یافته به نوظهور، انتظار رشد کمتر و تهدیدهای فزاینده رقابتی برای فعالان صنعت فولاد با تاثیری عمیق در اروپا و آمریکای شمالی وجود دارد. این جابجایی را می توان در فهرست ۱۰ تولیدکننده برتر فولاد مشاهده نمود. در سال ۲۰۰۱، ۴ فعال اروپایی در فهرست مذکور قرار داشتند، اما در سال ۲۰۱۰، تنها تولیدکننده موجود در این فهرست که دفتر مرکزی آن در اروپا قرار داشت، آرسلورمیتال بود.

۱۰ تولید کننده برتر فولاد در جهان

Rank	2001	2010
1	Arcelor	ArcelorMittal
2	POSCO	Baosteel
3	Nippon Steel	POSCO
4	Ispat International	Nippon Steel
5	Shangai Baosteel	JFE
6	Corus	Jiangsu Shagang
7	ThyssenKrupp	Tata Steel
8	Riva	U.S. Steel
9	NKK	Ansteel
10	Kawasaki	Gerdau

Source: World Steel Association
European steel producers highlighted in yellow.

در سال ۲۰۱۱، رشد GDP جهانی عمدتاً ناشی از کشورهای BRIC بود. برای مثال انتظار می رود که چین و هند به ترتیب به مقدار ۹/۵٪ و ۷/۸٪ در سال ۲۰۱۱ و ۹٪ و ۷/۵٪ در سال ۲۰۱۲ رشد داشته

باشند. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۱۲، ظرفیت فولاد خام چین به مقدار ۸۴۰ میلیون تن برسد که این مقدار ۲۲٪ بیشتر از مصرف مورد انتظار (۶۸۸ میلیون تن) است. انتظار می رود اتحادیه اروپا و آمریکا دارای GDP بسیار پایین تری (کمتر از ۲٪) در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ باشند. این ضعف در رشد GDP و تولید صنعتی، جابجایی در تولید و مصرف فولاد به کشورهای نوظهور را تسریع بخشیده است.

در طی دهه گذشته، تغییر ساختاری در تقاضای محصولات فولادی وجود داشته است. شدت تقاضا به سمت بازارهای نوظهور جابجا شده است. این امر عمدتاً ناشی از بالاتر بودن رشد GDP در این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته می باشد.

در بازارهای نوظهور که شدت مصرف فولاد آنها بیشتر است، همبستگی بیشتری بین مصرف فولاد با نرخ رشد وجود دارد. برای مثال در طی دهه گذشته (۱۰-۲۰۰۱)، رشد مصرف فولاد در چین در مقایسه با رشد GDP ۱/۴٪ بود، درحالیکه این همبستگی برای بسیاری از کشورهای توسعه یافته کمتر از ۱٪ بوده است.

گرچه شایان ذکر است که کشورهای توسعه یافته، در طی چهار دهه گذشته، رشد بالایی را در سرانه مصرف فولاد مشاهده نموده اند، در حالیکه شدت مصرف فولاد در کشورهای نوظهور از قبیل چین و هند بطور مستمری در طی همین دوره افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۱، تولید جهانی فولاد بدون در نظر گرفتن کشورهای BRIC، به میزان ۱/۹٪ در مقایسه با سال ۲۰۱۰ افزایش یافت، درحالیکه مصرف به میزان ۴/۳٪ کاهش داشت.

درصد تغییرات تولید و مصرف فولاد در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۱۰

	Production	Consumption
World	6.8%	5.2%
World excluding BRIC	1.9%	-4.3%

Source: BREE, World Steel Association

رشد بی ثباتی بازار و کاهش حاشیه سود

درحالیکه بازارهای نوظهور در حال رشد می باشند، عملکرد نیز در میان آنها بطور چشمگیری متفاوت است. برخی از بازارهای توسعه یافته، دارای عملکردی بهتر از حد انتظار بوده اند؛ در حالیکه بقیه در تلاش برای حفظ عملکرد بوده و یا عملکردی نزولی داشته اند.

با توجه به ورود شرکتهای تولید کننده فولاد مربوط به بازارهای توسعه یافته از طریق سرمایه گذاری مشترک، فولادسازان بازارهای نوظهور انتظار دارند که رقابت در بیشترین حد ممکن افزایش یابد.

فولادسازان دلیل اصلی بی ثباتی بازار را، بهای تمام شده مواد خام می دانند که با تغییر از قراردادهای سالانه به قراردادهای کوتاه مدت تر، اوضاع وخیم تر شده است. کمبود عرضه، عرضه کنندگان سنگ

آهن و زغال سنگ را قادر به برنامه ریزی مجدد مکانیسمهای قیمت گذاری نموده است. گرچه این امر چالشهایی را برای تولیدکنندگان فولاد ایجاد کرده است. در حال حاضر، آنها نه تنها با ناپایداری فزاینده قیمتهای مواد خام مواجه می باشند، بلکه مجبور به حفظ حاشیه سود، با توجه به نوسانات تقاضا نیز می باشند. این امر بطور قابل ملاحظه‌ای درآمدهای صنعت فولاد را متاثر می سازد. در طی سالهای ۱۱-۲۰۰۹، قیمت سنگ آهن با نرخ رشد متوسط ۶۷٪ و بهای زغال سنگ به طور متوسط، ۳۰٪ افزایش پیدا کرد. تاثیر این افزایش در قیمتهای مواد خام (مبنی بر استفاده هر واحد از تولید فولاد) بر فعالیتهای فعالان این صنعت چشمگیر است. بنابراین اگرچه بهای ورق فولاد با متوسط نرخ رشد، ۲۳٪ در طی سالهای ۱۱-۲۰۰۹، افزایش پیدا کرد؛ اما حاشیه سود فعالان این صنعت، به دلیل افزایش چشمگیرتر قیمت مواد خام، کاهش پیدا کرد.

فقدان سرعت در عملیات

در طی بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، تولیدکنندگان فولاد با یک چالش عملیاتی و کاهش ناگهانی تقاضا مواجه گردیدند. از آنجاییکه بسیاری از کارخانجات فولاد در حال تولید با ظرفیت بالایی بودند، اضافه عرضه ناگهانی فولاد در بازار بوجود آمد. با وجود اینکه شرکتهای مربوطه، ظرفیت خود را نسبتاً سریع تعدیل کردند (بویژه در اروپا و ایالات متحده آمریکا)، همچنان ظرفیت بیش از حد ساختاری در بخشهای تولیدی خاصی وجود دارد (از جمله بخشهای فولادی برای بازار ساخت و ساز).

بنابراین فاصله زمانی طولانی بین نوسانات تقاضا و تعدیل تولید، عمدتاً به دلیل عدم یکپارچگی این صنعت (بویژه در مقایسه با شرکتهای سنگ آهن و آلومینیوم) موجود بود. در سال ۲۰۱۰، آرسلور میتال ۷٪ از تولید جهانی فولاد و پنج شرکت از بزرگترین شرکتهای فولادسازی دنیا، صرفاً ۱۲٪ از تولید کل فولاد را بر عهده داشتند. در چین و سایر کشورها، تعداد بسیاری از کارخانجات کوچک فولادسازی با ظرفیت سالانه کمتر از یک میلیون تن وجود دارد. بسیاری از کارخانجات فولادی بعنوان قهرمانان ملی در نظر گرفته شده و بطور معمول دولتها آنها را مورد حمایت قرار می دهند. این امر نه تنها منجر به عرضه بیش از حد در بخشهای تولیدی خاصی می شود، بلکه چرخه عمر محصولات را نیز کاهش می دهد.

نیاز به متحول سازی مدل‌های کسب و کار

ساختار صنعت فولاد در طی قرن گذشته با توجه به انتقال مالکیت دولتی به مالکیت خصوصی اندکی تغییر یافته است. در طی چند دهه، کارخانه‌های فولاد حاشیه سود بالاتری را داشتند زیرا هم دارای قدرت چانه زنی با تامین کنندگان مواد خام بودند و هم قیمتهای بازار را برای توزیع کنندگان و مشتریان فولاد تعیین می کردند.

با این وجود در سال ۲۰۱۱، توان قیمت‌گذاری بطور عمده در اختیار عرضه‌کنندگان مواد خام و مشتریان فولاد می‌باشد. فولادسازی به شکلی از فرآوری مواد خام تبدیل شده و دیگر بعنوان عامل انحصاری ایجاد ارزش در نظر گرفته نمی‌شود. فولادسازان می‌باید مدل کسب و کار خود را با این تغییرات منطبق سازند، بطوریکه ریسک قیمت مواد خام بطور مستقیم به مشتریان فولاد انتقال یافته و نوسانات تقاضای مشتریان با اقدامات تولیدی منعطف‌تر برآورده شود.

همانطور که پیشتر مطرح شد، نبود سرعت در عملیات، این صنعت را متاثر ساخته و منجر به ایجاد ظرفیت مازاد در سطوح فعلی شده است. تولیدکنندگان فولاد جهت ایجاد تغییر در مدل‌های تجاری خود، ایجاد انعطاف بیشتر در عملیات، افزایش مالکیت تولید مواد خام، مشتری‌گرایی بیشتر در آمیخته تولیدی و نوآوری در قیمت‌گذاری محصولات خود را مد نظر قرار داده‌اند.

بررسی وضعیت صنعت فولاد جهان در سال ۲۰۱۱

صنعت فولاد جهان، رشد ثابتی را در طی سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ مشاهده کرد. این رشد تحت تاثیر تقاضای فزاینده صنایع کلیدی استفاده‌کننده از محصولات نهائی فولادی از جمله صنایع زیربنائی، ساخت و ساز، اتومبیل (به خصوص در بازارهای نوظهور) بود.

چشم انداز مثبت سال ۲۰۱۱ با کاهش ترس از رکود مجدد آغاز گردید. در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ اقتصاد جهانی به یک حوزه نامتوازن و نامطمئن وارد شد. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، فعالیت صنعتی جهان تضعیف شده و به دلیل آشفتگی مالی منطقه یورو، تقاضای ضعیف بخش خصوصی در آمریکا و حوادث ژاپن و خاورمیانه، اعتماد کاهش یافته است. تمرکز بر کشورهای نوظهور می‌باشد، بخصوص بازارهایی که می‌توانند در برابر اثرات ناشی از تقاضای خارجی ضعیف‌تر مقاومت کنند.

برآوردهای اولیه حاکی است که تولید فولاد جهان در سال ۲۰۱۱، با ۶/۸ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۰، به یک میلیارد و ۵۲۷ میلیون تن رسید. در این سال، کلیه کشورهای بزرگ تولیدکننده فولاد جهان، افزایش تولید داشته و صرفاً ژاپن و اسپانیا، کاهش تولید را تجربه نمودند. تولید فولاد ایران نیز، رشدی ۸/۷ درصدی را به ثبت رساند؛ بدین ترتیب، ایران با پشت سر گذاشتن بیشتر کشورهای دنیا پنجمین رشد تولید فولاد را در جهان داشت. رشد تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۱، از اروپا، آمریکا و حتی چین و هند بیشتر ثبت شده و تنها کشورهای معدودی نظیر ترکیه و کره جنوبی رشد تولید بیش از ۹ درصد را در سال ۲۰۱۱، در بخش فولاد داشتند.

در بین کشورهای آسیایی، چین بالغ بر ۷۰ درصد تولید فولاد خام در آسیا و ۴۴ درصد تولید فولاد خام جهان را در سال ۲۰۱۱ به خود اختصاص داد. میزان تولید فولاد این کشور در سال ۲۰۱۱، ۶۸۳/۲ میلیون تن بود که نسبت به سال ۲۰۱۰، ۹ درصد افزایش را نشان داد. همچنین ژاپن در سال ۲۰۱۱، بالغ بر ۱۰۷/۵ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که علیرغم کاهش ۲ درصدی در مقایسه با

سال ۲۰۱۰، کماکان به عنوان دومین کشور بزرگ تولید کننده فولاد خام جهان در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. در سال ۲۰۱۱، هند بالغ بر ۷۲/۲ میلیون تن فولاد خام تولید کرد (افزایش ۱۴ درصدی نسبت به سال قبل) و جایگاه خود را در رتبه چهارم برترین تولید کنندگان در جهان تثبیت نمود. کره جنوبی نیز ششمین کشور بزرگ تولید کننده فولاد خام در جهان در سال ۲۰۱۱ شد.

آلمان در سال ۲۰۱۱ حدود ۴۴/۲ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که یک درصد بالاتر از سال ۲۰۱۰ می باشد. این کشور در سال ۲۰۱۱ هفتمین فولادساز برتر جهان و بزرگترین فولادساز اروپا در بین اعضای انجمن جهانی فولاد بود.

ایتالیا در سال ۲۰۱۱ میزان تولید فولاد خام خود را به ۲۸/۶ میلیون تن رساند که ۱۱ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۰ بود. با توجه به رکود اقتصادی اسپانیا در اواخر سال ۲۰۱۱، کل تولید فولاد خام این کشور در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با سال ۲۰۱۰ نیز با یک افت ۵ درصدی مواجه شد.

کل تولید فولاد خام اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۱۷۷/۴۳ میلیون تن رسید که در مقایسه با سال ۲۰۱۰ یک رشد ۳ درصدی و در مقایسه با سال ۲۰۰۹ افزایش ۲۸ درصدی را تجربه کرد.

روسیه در سال ۲۰۱۱، بالغ بر ۶۸/۷ میلیون تن فولاد خام تولید کرده که ۳ درصد رشد را نسبت به سال ۲۰۱۰، نشان می دهد و همین امر این کشور را به عنوان پنجمین کشور بزرگ تولید کننده فولاد در جهان مطرح کرده است. میزان تولید فولاد خام روسیه در سال ۲۰۱۱، در مقایسه با سال ۲۰۰۹ حدود ۱۵ درصد افزایش داشته است. اما اوکراین در سال ۲۰۱۱ تولید فولاد خام خود را به ۳۵/۳ میلیون تن رساند که ۶ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۰ است. کشورهای مشترک المنافع (CIS) در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۱۱۲/۴ میلیون تن فولاد خام تولید کردند که ۴ درصد افزایش را در مقایسه با سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.

ترکیه در سال ۲۰۱۱، ۳۴/۱ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که ۱۷ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۰ و ۳۵ درصد بیشتر از ۲۰۰۹ است.

بنا بر گزارش انجمن جهانی فولاد، ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۸۶/۲۴ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که ۷ درصد افزایش را نسبت به سال ۲۰۱۰ نشان می دهد و این کشور را به رتبه سوم بزرگترین فولادسازان جهان در سال ۲۰۱۱ رساند، همچنین این میزان ۴۸ درصد بیشتر از سال ۲۰۰۹ است. اما برزیل که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان فولاد خام در آمریکای جنوبی است، در سال ۲۰۱۱، میزان تولید فولاد خام خود را به بیش از ۳۵/۱۶ میلیون تن رساند که ۷ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰ و ۳۳ درصد بالاتر از سال ۲۰۰۹ می باشد. برزیل نهمین کشور بزرگ فولادساز جهان در سال ۲۰۱۱ است. منطقه آمریکای جنوبی در سال ۲۰۱۱، حدود ۴۴/۸ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که ۱۰/۸ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۰ است.

عربستان سعودی و قطر در سال ۲۰۱۱ به ترتیب ۵/۲ و ۲/۰۱ میلیون تن فولاد خام تولید کردند. میزان کل تولید فولاد خام در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، به ۲۰/۳۲ میلیون تن رسید که افزایش ۷ درصدی را

نسبت به سال ۲۰۱۰ و رشد ۱۹ درصدی را نسبت به سال ۲۰۰۹ تجربه کرده است. ایران نیز با تولید ۱۳/۱ میلیون تن فولاد خام در سال ۲۰۱۱، هفدهمین تولیدکننده بزرگ فولاد جهان و بالاتر از کشورهای نظیر کانادا بود.

در ارتباط با رویه های مصرف جهانی فولاد خام نیز، علی رغم ارائه بسته های حمایتی، مصرف فولاد در بازارهای توسعه یافته از قبیل کشورهای اروپائی و ایالات متحده آمریکا، به سطوح قبل از بحران بازنگشته است. ضمناً بخش عمده بهبود مصرف فولاد خام، ناشی از بازارهای نوظهور می باشد. رشد در سال ۲۰۱۱ را می توان در دو دوره ۶ ماهه بررسی نمود. در نیمه اول سال ۲۰۱۱، مصرف جهانی فولاد با حمایت فعالیت تولیدی و ساخت و ساز زیربنائی رشد نسبتاً سریع تری داشت. مصرف فولاد در نیمه دوم سال ۲۰۱۱، به دلیل رشد اقتصادی متوسط چین، آمریکا و اروپا پایین تر از نیمه اول آن بود.

بر اساس گزارش انجمن جهانی فولاد پیش بینی می شود که در سال ۲۰۱۲، مصرف فولاد حدود ۵٪ رشد داشته و به ۱/۴ میلیارد تن برسد (در سال ۲۰۱۱، رشد مصرف حدود ۵٪ بود) برسد.

صنعت فولاد و بحران جهانی

در طی بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، تولیدکنندگان فولاد با کاهش ناگهانی تقاضا مواجه گردیدند. تعدادی از شرکت ها که دارای مزیت نسبی برای ادامه تولید نبودند، عملاً ورشکسته یا در شرکت های دیگر ادغام شدند.

بحران مالی و اقتصادی جهان که از اواسط سال ۲۰۰۸ آغاز گردید، سبب کاهش موقتی مصرف تجهیزات فولادی از ماه هفتم سال ۲۰۰۸ (از قبیل اتومبیل، ماشین آلات صنعتی و...) شد. در ماه مه سال ۲۰۰۸، بیشترین میزان تولید ماهانه جهانی فولاد از ابتدای شروع بحران تا اکتبر سال ۲۰۰۹ بوقوع پیوست، که مقدار آن ۱۲۱ میلیون تن بود.

افزایش سرسام آور قیمت مواد اولیه مورد نیاز برای تولید فولاد و نیز افزایش تقاضای جهانی، قیمت محصولات فولادی را افزایش داد. آن دسته از شرکت های بزرگ تولیدکننده فولاد که دولت ها و حکومت های محلی آنان به عناوین مختلف مانع سودآوری آنها نشدند (به عنوان مثال با تعیین دستوری قیمت محصولات فولادی و پایین نگهداشتن قیمت برخلاف روند جهانی آن)، به راحتی توانستند بحران مالی اقتصادی به وجود آمده از اواسط سال ۲۰۰۸ را پشت سر گذاشته و عملاً تولید ماهانه آنها مجدداً رشد کمی را از خود نشان داد.

روند تولید جهانی فولاد از اول سال ۲۰۰۸ تا اکتبر ۲۰۰۹، مؤید پایان بحران اقتصاد جهانی و همچنین روند کاهشی تولید جهانی فولاد است. در این مدت، بیشترین مقدار تولید ماهانه جهانی فولاد در ماه مه سال ۲۰۰۸ (۱۲۱ میلیون تن) و کمترین آن در ماه فوریه سال ۲۰۰۹ (حدود ۸۵ میلیون تن) بود. از آوریل تا اکتبر سال ۲۰۰۹، رشد مداوم ماهانه جهانی تولید فولاد را شاهد بودیم. با توجه به کاهش

شدید جهانی سطح موجودی انبارهای مصرف‌کنندگان عمده فولاد (مانند صنایع تولید خودرو، صنایع ماشین‌سازی، صنایع الکتریکی و...) کشورهای صنعتی، تولیدکنندگان عمده فولاد به تدریج مواجه با سفارش تولید از طرف این صنایع شدند و تولید فولاد آنها تقریباً از ماه چهارم سال ۲۰۰۹ تا اول اکتبر ۲۰۰۹ مجدداً افزایش یافت.

تولید جهانی فولاد در ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۹ نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۸، حدود ۱۶ درصد رشد منفی را تجربه کرد. این در حالی بود که تولید فولاد ایران در طی این مدت (حدود ۸/۲۳ میلیون تن) نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۸، حدود ۱۳ درصد رشد مثبت را نشان داد. اگرچه ایران همچنان یکی از بزرگترین واردکنندگان فولاد در دنیا است.

نکته قابل توجه، رشد ۲۴/۸ درصدی مصرف فولاد چین در سال ۲۰۰۹ بود و به اعتقاد اقتصاددانان این جهش تقاضا در کشور چین باعث شد که فاکتورهای بحران‌زده، زودتر از زمان مورد انتظار در صنعت فولاد جهان بهبود یافته و خوش‌بینی به آینده صنعت قوت گیرد. در سه ماهه اول سال ۲۰۱۰، صنعت فولاد چین تقریباً به حالت تعادل رسیده و عرضه محصولات این کشور تا حدودی تابع تقاضای جهانی شده و در طول بحران تاکید این کشور روی بازارهای داخلی بوده است. کشورهای که وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذارهای خارجی داشتند، بیشترین تاثیر را از بحران متحمل شدند. بعد از بحران و رونق نسبی بازار، قیمت مواد اولیه در جهان شروع به افزایش کرد و معادلات صنایع را مجدداً به هم ریخت.

صنعت فولاد در ایران

ایران به علت داشتن سنگ‌آهن، مواد انرژی‌زا، بازار مصرف، نیروی کار جوان و ... برای تولید فولاد دارای مزیت نسبی نسبت به برخی کشورهای صنعتی مانند آلمان، ژاپن، کره جنوبی و ... می باشد. کشورهای صنعتی ذکر شده تقریباً ۱۰۰٪ سنگ‌آهن و حدود ۹۰٪ انرژی مورد نیاز برای تولید فولاد را (برخلاف ایران) می باید از طریق واردات تامین کنند. لذا در برابر تغییرات جهانی قیمت سنگ‌آهن، زغال‌سنگ و... بیشتر از صنایع تولید فولاد ایران آسیب‌پذیر هستند. بنا بر گزارش انجمن آهن و فولاد جهانی، در ماه دسامبر ۲۰۱۱، ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات فولادی در منطقه خاورمیانه بوده و حدود ۱/۰۸۵ میلیون تن فولاد خام تولید نموده است که نسبت به ماه نوامبر افزایش ۳/۲ درصدی را نشان می دهد. همچنین ایران در سال ۲۰۱۱، با حدود ۹٪ رشد نسبت به سال قبل، بطور تقریبی ۱۳/۰۴ میلیون تن فولاد خام تولید کرد که بالاترین میزان تولید فولاد خام از ابتدای پیدایش صنعت فولاد این کشور بوده و نشان‌دهنده روند رو به رشد سالیانه صنعت فولاد ایران است. ایران در سال ۲۰۱۱، به عنوان هفدهمین کشور بزرگ تولیدکننده فولاد خام در جهان مطرح شد.

تاثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر صنعت فولاد

صنایع معدنی فعال در کشور، با توجه به سهم خود در مصرف انواع حامل‌های انرژی، یکی از بخش‌های مهم و تاثیرگذار بر میزان تقاضا و مصرف انرژی محسوب می‌شوند؛ به تبع این موضوع و پس از تصویب و اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت انرژی در کشور، صنایع معدنی فعال از جمله بخش‌های تاثیرپذیر از این امر به‌شمار می‌رفتند.

افزایش قیمت انواع حامل‌های انرژی منجر به افزایش بهای تمام شده محصولات صنایع معدنی، به‌ویژه محصولات فولادی، روی، آلومینیوم و سیمان، نسبت به دوره قبل از هدفمندسازی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها و همچنین باعث کاهش حاشیه سود یا حذف سود شده است. از طرف دیگر، آزادسازی قیمت انرژی بر دیگر فاکتورهای تولید اثرگذار بوده و قیمت مواد اولیه و دستمزدها را نیز افزایش داده است.

همه این مسائل در کنار دستور دولت مبنی بر ممنوعیت افزایش قیمت انواع محصولات، کارخانجات را با بحران جدی مواجه ساخته که در برخی از موارد منجر به تعطیلی یکسری از کارخانجات بخش خصوصی شده است.

در صنایع فولاد، کارخانجات بخش دولتی، که بیش از ۷۰ درصد تولید کشور را برعهده دارند، با مشکل چندانی روبرو نیستند، اما کارخانجات بخش خصوصی با مشکلات ساختاری عدیده‌ای مواجهند که پس از هدفمندسازی یارانه‌ها به تعداد مشکلاتشان افزوده شده است.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارخانجات بخش خصوصی در حال حاضر با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت نصب شده فعالیت می‌کنند.

وضعیت صنعت فولاد ایران در شرایط تحریم

گزارش بیزنس مانیتور حاکی از آن است که با بهره برداری از ظرفیت‌های جدید تولید و کاهش ارزش ریال در شش ماه دوم سال مالی گذشته، صنعت آهن، فولاد و آلومینیوم ایران در سال ۲۰۱۰ رشد به مراتب بهتری نسبت به پیش‌بینی‌های اولیه داشت. البته افزایش ظرفیت تولید چین و تشدید تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۱۱، مهمترین تهدید علیه صنعت فلزات ایران به‌شمار می‌رود. افزایش تقاضا و مصرف در صنایع خودروسازی با ارزش افزوده بالا نیز تاثیر زیادی در افزایش تولید فلزات ایران بر جای گذاشته است. در نوامبر ۲۰۱۰، ایران بهره برداری از بزرگترین کارخانه تولید آهن با حرارت مستقیم برق را با همکاری سایپا، ایران خودرو و صندوق حمایت از صنعت فولاد، آغاز نموده است. این کارخانه در چهارمحال و بختیاری واقع شده و ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار تن فولاد و آهن تخت را (برای خودروسازان داخلی) دارد. در عین حال با توجه به تحریم‌ها، اجرای برخی از پروژه‌ها به علت عدم تامین منابع مالی، کمبود تخصص و مهارت و ناکافی بودن زیرساختها، با تاخیر زیادی روبرو شده است. شرکت ملی فولاد ایران قصد دارد طی سالهای ۲۰۱۱ تا

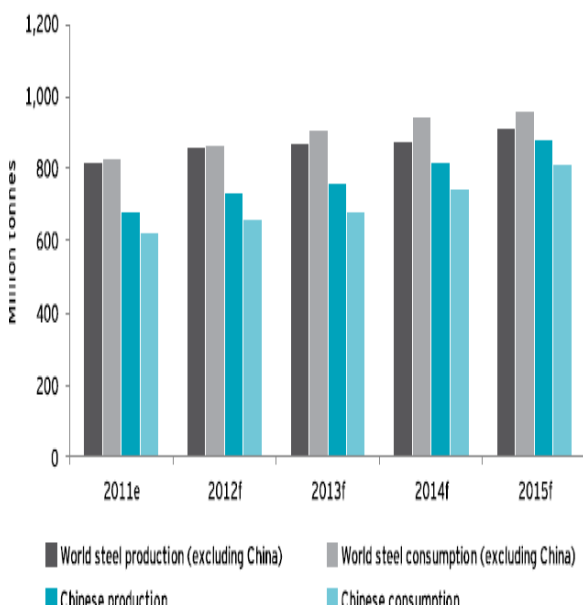
۲۰۱۳، ۸ کارخانه جدید تولید فولاد با ظرفیت تولید ۸ میلیون تن را به بهره برداری رسانده و ظرفیت تولید ایران را تا سال ۲۰۱۴، به ۲۰ میلیون تن برساند که البته به اعتقاد بیزینس مانیاتور، این اهداف تا سال ۲۰۱۵ محقق نخواهد شد. بر اساس این گزارش، تحریم ها در کوتاه مدت و میان مدت تاثیر منفی چندانی بر مبادلات تجاری ایران با کشورهای آسیایی نخواهد داشت. بر اساس اظهار نظر دست اندرکاران این صنعت، علیرغم تحریم های صورت گرفته، ۶۵ درصد تجهیزات صنعت فولاد ساخت داخل بوده و این موضوع بعنوان ابزاری کارا در مقابل تحریم ها می باشد.

چشم انداز سال ۲۰۱۲ صنعت فولاد جهان

چشم انداز سال ۲۰۱۲ محتاطانه باقی می ماند. علی رغم شروعی خوب در سال ۲۰۱۱، اقتصاد جهانی در نیمه دوم سال به قلمروئی نامتوازن و نامطمئن وارد شد. فعالیت صنعتی در جهان تضعیف گردیده و به دلیل آشفتگی مالی منطقه یورو، تقاضای ضعیف بخش خصوصی در ایالات متحده آمریکا و رویدادهای بوقوع پیوسته در ژاپن و خاورمیانه، اطمینان کاهش یافته است. انتظار می رود که تولید جهانی فولاد در سال ۲۰۱۲، مجدداً حدود ۷٪ رشد داشته باشد.

بازارهای نوظهور نیز به دلیل وابستگی به درآمدهای صادراتی بازارهای توسعه یافته، تحت تاثیر رکود اقتصادی فعلی قرار می گیرند. تورم در بسیاری از بازارهای نوظهور، بعنوان مشکلی خاص مطرح گردیده و دولتها در حال بالا بردن نرخهای بهره می باشند. انتظار می رود که GDP واقعی جهانی به مقدار ۳٪ در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با ۴/۲٪ در سال ۲۰۱۰ رشد پیدا کند.

چشم انداز تولید و مصرف فولاد تا سال ۲۰۱۵



پیش بینی می شود در سال ۲۰۱۲، صنعت فولاد در سطح جهان رشد داشته باشد؛ گرچه سرعت رشد پایینتر از قبل خواهد بود. همچنین انتظار می رود که تولید جهانی فولاد با متوسط نرخ رشد ۲/۶٪ تا سال ۲۰۱۵ رشد پیدا کند؛ گرچه در سال ۲۰۱۲، متوسط نرخ رشد حدود ۶/۷٪ پیش بینی می گردد. تقاضای فولاد با توجه به چشم انداز کشورها و مناطق مختلف تغییر خواهد نمود. پیش بینی می شود که تقاضای فولاد در مناطق توسعه یافته مانند آمریکای شمالی و اروپا کمتر باشد، ولی رشد اقتصادی قویتر در چین، هند، برزیل، روسیه و کره جنوبی می تواند موجبات تقاضای بیشتر فولاد در این مناطق را فراهم آورد.

بازارهای توسعه یافته - اروپا و ایالات متحده آمریکا

مصرف فولاد در اروپا و ایالات متحده آمریکا تحت تاثیر محیط ضعیف اقتصادی در این منطقه خواهد بود. کاهش مخارج دولت و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی در سال ۲۰۱۲، منجر به رشد ناچیز در اتحادیه اروپا (۱٪) و آمریکا (۱/۸٪) خواهد شد. این رشد پایین بطور عمده ناشی از کاهش فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این مناطق می‌باشد. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود بخش فولاد در اروپا، صرفاً حدود ۲/۵٪ و در منطقه نفتاً حدود ۵٪ رشد داشته باشد.

چین

سیاست‌های اقتصادی چین جهت مهار تورم، منجر به کاهش تولید صنعتی این کشور شده است. در نتیجه، رشد GDP بعنوان شاخص مصرف فولاد، پس از رشدی در حدود ۱۰/۳٪ در سال ۲۰۱۰ به مقدار ۸/۲٪ در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۱ کاهش پیدا کرد. بر اساس تخمین انجمن جهانی فولاد انتظار می‌رود که مصرف فولاد در چین به میزان ۶٪ در سال ۲۰۱۲ رشد یابد که نسبت به سال ۲۰۱۱ (۷/۵٪ رشد) کمتر خواهد بود. انتظار می‌رود که رشد مستمر در مصرف فولاد، بواسطه برنامه‌های گسترش ساخت و ساز زیربنایی و عمومی مسکن مورد حمایت قرار گیرد.

هند

هند، نقطه عطف آتی در چشم انداز جهانی فولاد به حساب می‌آید. اقتصاد هند، به دلیل وابستگی کمتر به صادرات به بازارهای توسعه یافته، نسبت به سایر کشورهای آسیایی، بطور مناسبتری از اقتصاد جهانی مجزا شده است. گرچه هیچ اقتصادی نمی‌تواند بطور کامل از اقتصاد جهانی مجزا گردد. علاوه بر این، رشد GDP در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، بواسطه ۱۳ افزایش متوالی نرخ بهره (با هدف کنترل تورم) مختل گردید.

در اقدامی برای کنترل تورم، تصمیم‌گیرندگان و قانونگذاران سیاست‌هایی را اتخاذ کردند که فعالیت واقعی اقتصادی را با کساد مواجه می‌کند. در هر صورت متغیرهای کلان اقتصادی (نرخهای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بالا، جمعیت، و رشد سریع طبقه متوسط) در هند رو به رشد باقی مانده و عملکرد نسبتاً باثبات اقتصادی را برای این کشور به همراه خواهند داشت.

انتظار می‌رود که چرخه کندتر اقتصاد، تولید و مصرف فولاد را نیز تحت تاثیر قرار دهد. علی‌رغم ارسال علائم ضعیف از سوی اقتصاد جهانی، انتظار می‌رود که هند به دلیل مصرف داخلی فولاد (جهت ساخت و ساز داخلی و نیز وجود تقاضای مداوم از جانب طبقه متوسط در حال رشد) عملکرد بهتری را داشته باشد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که ظرفیت فولاد خام نیز در طی دو تا سه سال بعد، با توجه به اجرای پروژه‌های توسعه‌ای بزرگ، افزایش یابد.

¹ North American Free Trade Agreement

با این وجود، صنعت فولاد هند می باید به بررسی فرصتها و چالشهای خود بپردازد، که برخی از این موارد، منحصر به این کشور است. درحالیکه مسائلی درخصوص مجوزهای اجتماعی برای عملیاتی نمودن و ملی سازی منابع در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (و همچنین بسیاری از کشورهای توسعه یافته) وجود دارد، در زمان فعلی، تاثیر آن بر رشد صنعت فولاد هند محسوس تر است. این مسائل شامل مشکلات مربوط به خرید زمین و رویه های پیچیده حقوقی می باشند. زیرساختهای ناکافی، بعنوان چالش و نیز فرصت در بازار مطرح می باشند.

منابع سنگ آهن هند و مازاد تولید آن، نقاط قوت چشمگیری هستند که بطور کامل از سوی صنعت فولاد مورد استفاده قرار نگرفته است. این مزیت استراتژیک همراه با رشد تقاضای مورد انتظار، این کشور را به مقصدی جذاب برای سرمایه گذاری جهانی تبدیل نموده است.

کره جنوبی

انتظار می رود که صنعت فولاد در کره جنوبی، رقابت در میان فولادسازان داخلی را تجربه نماید. پوسکو (POSCO) بزرگترین تولیدکننده فولاد در این کشور با طرحهای توسعه ای داخلی و جهانی است و انتظار می رود که تولید داخلی در این کشور با نرخ رشد ۴٪ به ۷۴/۱ میلیون تن در سال ۲۰۱۲ افزایش یابد. از طرف دیگر، مصرف داخلی اسمی در این کشور ممکن است که در سطح ۵۷ میلیون تن ثابت باقی بماند که نشاندهنده کاهش واردات و افزایش بیشتر صادرات فولاد بوده و این امر بر محصولات فولادی فشار وارد خواهد ساخت. تولیدکنندگان فولاد در کره که تقریباً ۱۰۰٪ مواد خام مورد نیاز خود را وارد می کنند، از کاهش قیمت های مواد خام منتفع خواهند شد؛ ولی رقابت داخلی توام با عدم اطمینان جهانی می تواند هرگونه پیشرفت سودآور را محدود سازد.

برزیل

در حال حاضر، تولیدکنندگان فولاد در برزیل، به دلیل تقاضای شدید برای محصولات فولادی ارزان قیمت تر تولیدی توسط کشورهای نظیر چین و ترکیه، زیر فشار می باشند. نرخ ارز برزیل از سال ۲۰۰۹ به مقدار ۹۰٪ افزایش یافته و این امر، افزایش واردات به این کشور را موجب گردیده است. نتیجه این موضوع، کاهش قیمت ها از سوی تولیدکنندگان محلی، جهت حفظ سهم بازار بوده است. آینده کوتاه مدت صنعت فولاد برزیل، توام با چالش خواهد بود؛ زیرا دوره اعتباری محدودتر، تولید این صنعت را با رکود مواجه ساخته و فشار بیشتری بر طرف عرضه تولیدکنندگان فولاد این منطقه وارد خواهد نمود. علاوه بر این، کارخانجات فولاد برزیل بخش مهمی از تولید خود را برای صادرات به بازارهای اروپا (که رو به تضعیف می باشند) اختصاص می دهند. مجموعه عوامل رکود در مصرف داخلی فولاد، قیمت های بالاتر مواد خام، واردات فزاینده از چین و ترکیه، صادرات کمتر به اروپا، می تواند منجر به ایجاد چالش در صنعت فولاد برزیل در طی سال ۲۰۱۲ گردند.

روسیه

صنعت فولاد روسیه، در حال مقابله با تورم بالا، دوره های اعتباری محدود و نرخهای بهره بالا می باشد. فاصله بین تولید و مصرف داخلی رو به رشد بوده و انتظار می رود که به بیش از ۳۳ میلیون تن در سال ۲۰۱۱ برسد. در سایه رشد آرام GDP مورد انتظار در این منطقه برای سال ۲۰۱۲، احتمالاً صنعت فولاد روسیه با مزاد تولید و افزایش قیمت محصولات فولادی مواجه خواهد شد. علی رغم رکود اقتصادی، فعالان اصلی فولاد در روسیه با طرحهای توسعه ای خود پیش رفته و تا سال ۲۰۱۳، تولید را در این کشور به حدود ۸۵ میلیون تن افزایش خواهند داد. با این وجود، مصرف اسمی فولاد صرفاً تا میزان ۴۳ میلیون تن تا زمان مذکور افزایش می یابد؛ که نشاندهنده اینست که صنعت فولاد روسیه احتمالاً با مزاد هنگفت تولید در آینده خیلی نزدیک روبرو خواهد شد.

کشورهای نوظهور در مقابل توسعه یافته

بازارهای نوظهور از جمله چین، هند و برزیل، بطور قابل ملاحظه ای رشدی پایدار در مصرف فولاد را تجربه نموده اند. از سال ۲۰۰۹، مصرف فولاد در چین، با متوسط نرخ رشد ۴/۹٪ افزایش یافته است. هند و برزیل نیز از افزایش مصرف (از سال ۲۰۰۹) منتفع گردیده اند. تخمین زده می شود که مصرف فولاد در هند و برزیل به ترتیب با متوسط نرخ رشد ۱۰/۹٪ و ۲۳/۴٪ بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۰۹ افزایش یابد.

بحثهایی بین تحلیلگران بازار فولاد در رابطه با میزان رشد تقاضا در چین وجود دارد. به دلیل تلاش دولت چین جهت متعادل سازی اقتصاد بیش از حد رونق یافته کشور، برخی تحلیلگران رشد آهسته تر را برای این کشور پیش بینی می کنند. دیگران بر این عقیده می باشند که دولت چین احتمالاً نرخ رشد GDP را در میان مدت در حد ۸٪ حفظ خواهد نمود که این امر بدین معنی است که هم سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی و هم مخارج بخش خصوصی تداوم خواهد داشت.

چشم انداز صنعت فولاد ایران

بر اساس گزارش موسسه تحقیقاتی بیزنس مانیتور، تولید فولاد خام در ایران در ده ماهه اول سال ۲۰۱۱ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۱۰/۶٪ رشد پیدا کرده و به ۱۰/۹ میلیون تن رسید. بر اساس گزارش مقامات دولتی ایران، در هفت ماهه اول سال جاری، ۸ میلیون تن فولاد خام تولید شد که نسبت به دوره مشابه سال قبل، حدود ۱۴/۳٪ افزایش داشت. در این مدت، بخش خصوصی حدود ۷۰۲,۰۰۰ تن تولید داشته و بدین ترتیب، ۵۳٪ افزایش را نسبت به دوره مشابه سال قبل نشان داد. تولید فولاد در ایران با افزایش سریع ظرفیت تقویت گردید. گرچه علیرغم وجود ظرفیت سالانه تولید فولاد ۲۰ میلیون تنی، این صنعت صرفاً در ۶۶٪ از ظرفیت کل عملیاتی فعالیت می کند (سال ۲۰۱۰).

این نرخ ۶۰٪ بود) و بیزنس مانیتور بر این باور است که این نرخ (۶۶٪) کمتر از نرخ مورد انتظار برای اطمینان از سودآوری بلندمدت می باشد.

نرخهای رشد ماهانه تولید فولاد خام کمتر از نرمال بوده و علی رغم استفاده از ظرفیتهای اضافی در طی ماههای اخیر، بیش از ۱/۱ میلیون تن نخواهد شد. بیزنس مانیتور پیش بینی کرده بود که در سال ۲۰۱۱، تولید کل فولاد خام ایران، ۱۳ میلیون تن باشد.

مصرف فولاد خام در سال ۲۰۱۱، ۲۰ میلیون تن تخمین زده شده بود. ایران وابسته به واردات حدود یک سوم از کل نیازهای خود می باشد. درحالیکه این امر پتانسیل قابل ملاحظه بازار ایران را نشان می دهد، صنعت داخلی به دلیل مشکلات تکنولوژیکی ناشی از فقدان سرمایه گذاری و تخصص مورد نیاز، قادر به برآورده سازی نیازهای کشور نمی باشد.

نهایتاً این موسسه پیش بینی نموده است که تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۵، به ۱۹ میلیون تن رسیده و همچنین معتقد است بهره بردای ضعیف از ظرفیت موجود و نیز عدم ثبات بازار بالقوه، موجبات کاهش سودآوری صنعت فولاد ایران را فراهم خواهد آورد.

پوششهای ارائه شده از سوی صندوق در صنعت فولاد

پوشش های بیمه ای و تضمینی صندوق در این صنعت، طی سالهای ۸۰ تا ۱۵ اسفند سال ۹۰، حدود ۱۷۱ میلیون دلار بوده است. پوشش فوق از طریق صدور بیمه نامه خرید دین (۶۱٪)، ضمانتنامه ارزی و ریالی (۲۲٪)، ضمانتنامه اعتبار خریدار (۱۵٪) و بیمه نامه خاص صادرات (۲٪) ارائه شده است. مقایسه این رقم با کل پوشش ارائه شده از سوی صندوق در طی این دوره (حدود ۶/۴۴ میلیارد دلار)، بیانگر آن است که ۲/۶۵٪ کل پوششهای صندوق به این صنعت اختصاص داشته است. مجموع خسارات پرداختی از سوی صندوق در این صنعت، در طی همین دوره برابر ۵/۴ میلیارد ریال بوده که در حدود ۰/۳ درصد از کل خسارات پرداختی در این دوره (۱,۸۳۶ میلیارد ریال) می باشد. ۱۰۰٪ مبلغ خسارت پرداختی، مربوط به ضمانتنامه های صادره از سوی صندوق جهت یکی از متقاضیان، در طی سالهای ۸۵-۸۴ بوده است. همانگونه که ملاحظه می شود در طی این مدت، درصد ناچیزی از پوشش ارائه شده از سوی صندوق در این صنعت، با خسارت مواجه گردیده است.

جمع بندی

همانگونه که اشاره شد، صنعت فولاد طی دهه گذشته رشدی چشمگیر داشته که دلیل عمده این امر، رشد این صنعت در کشورهای نوظهور، بویژه چین بوده است. در طی این مدت، متوسط نرخ رشد تولید جهانی فولاد، ۶٪ و متوسط نرخ رشد مصرف، حدود ۵/۵٪ بوده است. این امر منجر به فزونی ظرفیت تولید فولاد نسبت به تقاضای آن گردیده و نهایتاً سودآوری فعالان صنعت را متاثر ساخته است.

طی چهار دهه گذشته، علیرغم عدم وجود رشد بالا در سرانه مصرف فولاد کشورهای توسعه یافته، مصرف فولاد در کشورهای نوظهور همانند چین و هند، بطور مستمری افزایش یافته است. بحران مالی جهانی نیز، تاثیرات چشمگیری بر این صنعت بر جای گذاشته و باعث ورشکستگی برخی شرکتهای تولیدکننده فولاد گردید. بطوریکه تولید جهانی فولاد در طی دوره ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل، حدود ۱۶٪ رشد منفی داشت. پس از خاتمه دوره بحران، قیمت مواد اولیه در جهان افزایش یافته و این امر، مجدداً این صنعت را متاثر ساخته است. ولی انتظار می رود در سال ۲۰۱۲ نیز، این صنعت حدود ۶/۷٪ رشد داشته و تا پایان سال ۲۰۱۵ نیز، متوسط نرخ رشد حدود ۲/۵٪ باشد.

کشورمان نیز بعنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان محصولات فولادی در منطقه خاورمیانه بوده و توانسته در سال ۲۰۱۱، رتبه هفدهم را در بین کشورهای تولیدکننده فولاد خام در جهان کسب نماید. در طی بحران مالی جهانی نیز، علیرغم کاهش رشد تولید جهانی، تولید فولاد در ایران در طی ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۹ نسبت به دوره مشابه سال ۲۰۰۸، حدود ۱۳٪ رشد داشت. در حال حاضر نیز، سیاست وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بخش فولاد، تامین نیاز داخلی و سپس صادرات است که تکمیل و تقویت صنایع بالا دستی و پایین دستی، جذب و توسعه سرمایه گذاری و صدور خدمات فنی و مهندسی در بخش فولاد در دستور کار این وزارتخانه قرار دارد. چشم انداز کشور تا سال ۱۴۰۴، تولید ۵۵ میلیون تن فولاد سالانه است. که در این راستا بخش خصوصی و جذب سرمایه گذار خارجی می تواند نقش بسیار مهمی را بازی کند.

این در حالی است که متعاقب هدفمندسازی یارانه ها، به دلیل افزایش قیمت محصولات فولادی و نیز دستور دولت در خصوص ممنوعیت افزایش بهای انواع محصولات، حاشیه سود فعالان این صنعت کاهش یافته و منجر به تعطیلی برخی از کارخانجات بخش خصوصی گردیده است.

از سوی دیگر، اعمال تحریم در خصوص مراودات تجاری ایران، در دوره های کوتاه و میان مدت، اثرات منفی اندکی بر مبادلات تجاری ایران با کشورهای آسیایی بر جای گذاشته است. نهایتاً با عنایت به موارد مطرحه، می توان علیرغم فزونی عرضه نسبت به تقاضا در این صنعت، احتمال رشد ضعیف آن در سطح جهان را پیش بینی نمود.

صندوق ضمانت صادرات ایران بعنوان اولین موسسه اعتبار صادراتی تاسیس شده در خاورمیانه با صدور انواع بیمه نامه ها، ضمانت نامه ها و ارائه سایر خدمات مالی از صادرکنندگان کشور حمایت می نماید. در بیمه نامه ها ریسک عدم وصول مطالبات صادرکنندگان، سرمایه گذاران و یا بانکهای تامین مالی کننده ایشان از خریداران خارجی و بانکهای خارجی در بازارهای هدف تضمین می گردد. ضمانتهای صندوق نیز به صادرکنندگان در جذب تامین مالی از بانکها، قبل و بعد از حمل کمک می نماید. اعتبار سنجی خریداران خارجی و سایر خدمات صندوق نیز در بسیاری از موارد راهگشای صادرکنندگان، سرمایه گذاران و بانکهای ایرانی فعال در حوزه صادرات می باشد. نقشی که این موسسه در ایران ایفا می نماید همان نقشی است که در آلمان بر عهده هرمس، در ایتالیا: ساچه، در فرانسه: کوفاس، در ژاپن: Nexi و در چین بر عهده Sinasure قرار دارد. مدیریت ریسک صندوق بمنظور کاهش ریسک صادرات و سرمایه گذاری ایرانیان در سایر کشورها و همچنین اطلاع رسانیهای لازم، ضمن ارزیابی ریسک بانکها و کشورها، اقدام به تهیه یا ترجمه گزارشات مختلف در حوزه های ریسک کشوری، اوضاع اقتصادی، تامین مالی، بیمه اعتباری، فعالیت همتایان و سایر موارد مرتبط می نماید.